

صاحب امتیاز  
و مدیر مسئول  
دکتر اسمعیل  
اردلان.

# کوششنامه

بهیچ حزب  
دسته یا جمعیتی  
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۳

شماره ۲۳ مه ماه ۱۳۲۴

تک شماره ۵ ریال

## تحریم انتخابات

## سازمان فرهنگیان شهرستان های ماباد و گروس

۱ - شهرستان مهاباد

«از نظر تأمین آزادی کامل و اینکه  
کثرترین تومس برای اظهار نظر در انتخابات  
هیچک از افراد ملت ایران در پیش نیاید  
امضا کنندگان ماده واحده ذیل را تأیید و  
قرضت پیشنهاد و تخاصی تصویب آرا  
داریم»

شهرستان مهاباد از لحاظ استعداد سکنه آن و از نظر  
علاقه ای که مردم پیشرفت امور فرهنگی دارند شایان وقت است.  
در سال ۱۳۲۳ بودجه آن شهرستان بالغ بر ۵۴۰۹۲۰ ریال  
بوده که ۴۲۱۲۰۰ ریال آن بر سر تن و بقیه پستی ۱۹۷۲۰ ریال  
هرینه های منقشه در تشکیل هیات است علاوه بر ارقام فوق مبلغ  
۵۰۰۰۰۰ ریال نیز برای تهیه لوازم دارالتربیه آنجا با اختیار فرهنگ  
شهرستان مهاباد گذارده شده است.

**ماده واحده** انتخابات با ترمیمین  
فورده منتفی مجلس شورای ملی بیکه پس از  
تخلیه نمایندگان از کلیه قوای یکا به جل  
خواهد آمد

در سال ۱۳۲۲ در زمان تصدی آقای دکتر مهدی وزیر فرهنگ  
(وقت) موضوع آموزش ایلات و عشایر مورد توجه وزارت فرهنگ  
قرار گرفت و به اداره فرهنگ شهرستان ما مستوری صادر شد که  
مطالبات خود را در این زمینه بصورت گزارش تهیه نماید تا  
بررسی و اقدام قرار گیرد.

این طرح که باضای پیش افتاد  
نظر از نمایندگان مجلس رسیده و در تبع  
دس از نمایندگان زیاد و نظایرهای موجب  
عدالت نمایندگان، بصورت مادماده  
ذیل تصویب گردید:

گزارش جامعی در این موضوع تهیه شد که در آن ایلات از  
لحاظ کار - وضع زندگی و رفاه، طریقه بندی شده نکتاتی هم واقع بر نامه  
طرز انتخاب آموزگاران، نوع تحصیل، محل آموزشگاه و غیره ذکر  
شده بود که در آن تأسیسات روحیه، محل، طرز فکر و علاقه مردم مورد  
توجه قرار گرفته بود.

بعضی اینکه تمام شک از برای  
مطربیان سه گانه از تری متغین تبلی  
قد بلا نامله فرمان انتخابات صادر و  
انتخابات دوره پانزدهم شروع میگردد  
باصوب ماده واحده فوقالذین هم  
در راه تحصیل آزادی انتخابات ظاهرا  
برداشته شد.

در قبال این گزارش اوراق جامعی بصورت پرسش و استعلام  
تهیه و علاوه بر کمیسیونهایی که راجع موضوع آموزش ایلات هیئت  
تهیه اشخاص معتمد و نمایندگان میلس که در حوزه انتخابیه شان  
ایلات و عشایر سکونت داشته فرستاده شد اگرچه تا این ساعت  
کلیه اطلاعات لازمه از اوضاع جنرالیتی - نوع عمر - فوسوس.....  
کاملا جمع آوری نشده ولی وزارت فرهنگ معمم شده که در سال  
۱۳۲۴ دو دارالتربیه بگری در مهاباد و دیگری در دشت میشان افتتاح  
نماید.

واضحو آشکار است که هیچ ایرانی  
وطن پرست و شرافتمند از توفیق قوای  
یکتا فروزشک ایران راضی بوده خواهان  
و آرزو شده است هر چه زودتر این قوا  
هر چند قوای دوستان و متغین ما هستند  
ایران را تخلیه کنند.

در این دارالتربیه حاضران زده نوسا و افراد ایلات و عشایر  
پذیرفته میشوند مسکن و خوراک و لوازم زندگی آنان از اعتبار  
مخصوص دارالتربیه برداشت خواهد شد و این اطفال در دبیرانهای  
شهری متفوق تحصیل خواهند بود. علت ایجاد دارالتربیه بر وضع فعلی  
برای این است که این بچهها که در دعوات یا قوامی دور از شهر  
زندگی میکنند و وسیله تحصیل ندارند نتوانند در شهر در منزل مسکونی  
تحت نظارت اهل مسئول تربیت شوند بدون اینکه والدین و معلمان  
آنها نظارتی از تحت تهیه جا و منزل برای آنها داشته باشند.  
بدهی است اقدام با افتتاح این دو دارالتربیه بر اطفال از آمایش  
میباشد تا اگر نتیجه مطلوب داد وزارت فرهنگ دوسالهای بده  
تعداد آنها بیازداید، اگر نتیجه کاملا رضایت بخش بود بشکل دیگری  
اقدام در موضوع آموزش ایلات را شروع کند.

این آرزوی هر دسته و جمیت و هر  
فرهنگی است که هر مملکت خود را آزاد باند  
و بدون سواست از کلیه برای دولتی  
وطن خود بر خودار گردد  
دوران چاکمار از بسیاری از آزادی  
منازعم نوزده و علاوه بر سستی زندگی  
و فشار جنگ بسیاری از حقوق مادمشوش  
ایلات کسانی شد که اجتنی بر شی و توگری  
یکتا را بر خمدت به حدودشان و مملکت  
خود ترجیح داده و به پویانه جنگ در دعوات  
مطلبان از هر صل ناروایی خود داری  
غاشته اند.

با افتتاح یک دارالتربیه تا بشرح مفسر فوق، در مهاباد و با  
از رون تعداد دبستان هادرا اطراف بودجه سال ۱۳۲۴ پیش از سال  
بجای در رسیده A

چنین اقدامی از طرف نمایندگان  
دوره چهاردهم کتاهان گذشته آغان را  
خواهد شد.

پلم آتشی صند امین هوشند

مغیر نامه کوهستان

از سقر

# ما چه میگفتیم...؟!!

چهدی بدنوبنی بنده مرا حواجه که از مشق نشود خسته به بندی نهم گشوش بیادی

وخ حییی است  
مردم از دست لبر مینانده

سدی از دست خویشن فریاد  
ما چه میگفتیم !?

ما عده ای بشماره مفهومی و درهین حلال نایانده انکار و احساسات اعالی یک زهر دم لیزیده ۰ چرا! برای اینکه میدانستیم این همه زبان درازی ، اینهمه طنم وثیمت را باید در موانع خود پاسخ گفت . ما اطمینان داشتیم که مووره تو تبر کوهستان بزودی سیری خواهد شد و ما با زاروشن خلق بافتادهت بجای خود ادامه خواهیم داد .

آزوی ما عده ا نکشت شاره عده ای که باتمام تقیت نویسی میبایست بکنج زهر دم یلغیم بزودی بر آورده شدوا نیک بازما همان عده ی غرض و یا کدامین همه منصروما آنها نیکه خلطو کجدها و حقیقت دعرون دلیل و برهان قنای ما را میخوانند باچیره بیاش زبانی ملایم و ناصح میگویم:

**باز هم لیزید**  
مبارزه با یک اقلیتی بی اراده که تحت تاثیر تبلیغ و تلقین یک یا چند شخص مین خدمت مارا ببطوریک با چند روزنامه گناه میبردند . آری اینک ما مبارزه خود را اعلام میداریم مبارزه با خناها نیکه با انتشاراتی بی حقیقت و با تبلیغات سوده خدمت ملی و انتقاری ۰ ما را

شیر توفیق کوهستان و امر به پایدان سقر بازار ، مغیر بانی در خصوص جمع آوری نامه کوهستان و جلوگیری از انتشار آن در شهر منتشر شد . این غیر تحولات عجیب و غریبی ایجاد کرد .

همه عهوش شدند ، نگاه های مسولوی و آرام بهوش زهر آکتی میبل گشت و فن بیچاره ما هدف رانغ شده بود . زبان هسی سرخ که زمانی جز تمجید و تعریفن کلاری دیگر نداشتند ، نمودارانه چنان آنتیثار و بیار دیش را شده بودند که فرصت امان نبود !

اقلیت کورن و شاکلی که مندرجات کوهستان خ ایستاری های آن را در معرض انکار و قداوت عامه قرار داده بودند علم فرودان تهیه بدو تفویض و کلا سازی درماری فروگدا ، نمیکردند .

جزیر حییی بود : ۱۱ سته و دو عت و آن ذبح هائی که بحقیقت بیرو عت همه زبان طنم ما کشوده و برای ما قنای ابدی میخواستند .

شده ای بزوک ، ما که بدی لکرده ایم . اگر بلرش در مدت انتشار کوهستان حقایق نوشته ایم که در فرهنگ مسان اقلیت پست بدی و خیانت تعبیر شده بود ، دیگر طنم و سرزشت دیگران حال هائی که برای ما سکت میزدند ، چه منی داشت ۱۱!

## فرهنگ و غله مستدج توجه نمایند

بفرار اعلامی که بزور نامه وسیده یکی از مامورین هالیبرته کردستان دوستانه و اراج به یک امر لوفانی توصیه های پرسی فرس ازک نموده و راجع به تنبیه ندادن ملکه موده پست هم خواهش های ازک رئیس غله کرده است .

باینتریف هالی که از رئیس فرهنگ نقل کردستان نموده اند . گمان دبکنتم اینلن حاضر شوند برخلاف حق حلی بنیابنده آتلی رئیس غله هم نیتوانند بعرف خواهش عمل جرفانوی بنشانند . انتظاره نداریم آن مامور مستزم بر خلاف اصول توقع انجام عمل خلاف ثانوی از دولتی فرهنگ و غله بنیابنده . امید داریم این لکره کرامونر واقع شود در صورتیکه موده توجه قرار نگرفت ناچار میرماند رامشروما خواهیم نوشت .

## اطلاع

از این تاریخ به بعد در روزی شبه از ساعت ۴ تا ۵ بجای ظهر برای مشاوره و داوومرضی و پذیرائی دوستان آمده است

## سلیمان یونسی

نشانی خیابان برق کوچه کببانی دوج و کتله جنب دفتر استاد رسمی ۱ ، خانه کاشی ۹۷ - ۹۹ ، پلاک سلیمان یونسی

کتنا میدانستند جز آنچه بدوشکجه است برای ما نیخواستند . در این مبارزه اسلمه ما تقیت - کونی و مرمام اصلاح افکار بیرومشوش است بوسیله افتاد . ولی صدا میداند که ای معن کوله اسلمه خود آنها علاوه بر تهبت و افزاره و کافله برای و کزادش های مجبور که چیز هالی بوده ؟ ما در این مبارزه وارد می شوم و از آزادی خواهان اصلاح طلبان و اشعری بی غرض و باکدامن مسیانه دعوت میکنم که در این مبارزه ، مبارزه ای که بر ضد عوام فریبی بردن کلام و بر ضد انتر و تهبت است مارا کمک نمایند و باینده خدا باهم ما با نظارت ...

# وقایع آرات

۹۷

قله نوشار طی رهم دناکاری زبانی که فرمانده ساعلوی بوده و انفرانش از خود نشان داده بودند و علی رهم اسکتماش که در مقام مرتفع و امان دفاع و آمان نموده بود تو اسنت حتی ۲۴ ساعت هم جلوی سیل هجوم دلاوران طوایف آدمی را نگهرد پس از دادن نفلات زیاد ناچار بدست کرد ها انقاد ، مهاجرت کرد در روز اول قفسن از شهر اربیش و تمامی شهر بارکزی را منصرف شدند . آزادی ترک در دست دیگر شهر اربیش ولله بازرگی ملازمتی نبود

دست میاهدین که مامور قطع و امار اربیش - و اومدوله قربانی بی اشتباهی خود خنودند و موافقت بزوکی که در سایه جرأت و شهامت خود بدست آورده بودند و بیاراد دست دادند . ما پانسیه موبدیت و غیر ترک ها را در اربیش بوش مساعدی میل ساخته . این حادثه بدین ترتیب شد : فرماندهی ترک از منطقه وان چند توب و هدائی نظامی به کتله اربیش حرکت کرد داده بود دست میاهدین در نو دیکه های قصبه اربیش جلوی این فرجی سکت را گرفته پس از آنکه نسیسه ای چون ویرایی هالی نظامیان امید بنجات دیگر کسی بدت تسلیم شده بودند میاهدین بجهوری بجای اینکه هدای در تو ما با نسیانه قطع قطع فری برای عمل سلاح کردن نظامیان جلوی برنده هم باهم مواضع خود را ترک و بگریز قصبه موده بودند فرمانده توای کسکی چون نمداد ثلیل آتسا را در سیات بود از این

شکست منقل و مترشده شده جرمانی از لوگرت فرمان آتشر داده بوده در این تیر اندازی زمین دست میاهدین با چنه غری ا زده اش کتله شده چند فر پانسیه تسلیم شدن بدشن را ننگ دانسته در وضع ناساعدی بیکنک برداشته بود که پس از معرف بودن آخرین غری هالی تیریب چند نفر هم قربانی آزادی ملی شده و با انبار جان سپردند . بعد از این توای کسکی تو اسنت آزادی را در اربیش رسانیده مدعایه شهر را توبت ننید .

نسیب حله را بشهر اربیش طلبه بکران سوده آن طلبه اسلمه کالی ندانند بطوریکه عده ای که مامور اشغال فرودگاه شده بودند به جای ننگل چوب و پیل فردست داشتند و این حال خیانت را در راه آزادی برزندگی تنگین اسارت ترجیح دادند . بانهور خارق العاده ای که خاس زاد کرد است فرودگاه حله روزه شده بادن چند غر قربانی وارد آجیا شده نظامیان را که مامور حفاظت فرودگاه بودند اسیر و شلع سلاح کرده و بدین وسیله خوششان دارای اسلمه کتله .

دو هواپیمای که میبای پرواز بود از طرف حله سکندگان کرد توفیق چون بخت نداشتن غلبان برای آلمان قابل استفاده بود هر دو را خراب کردند .

عده از میاهدین بطرف پاتنوس حرکت کرده قصبه مودر و امورد حله قرار دادند . با کتله روس مسلحان را بر فرناز مناو مسیه فرار داده و ناط لازم راهم گرفتند . بعد با این حال عده ای توانسته داخل قصبه شده لیکن بیادکن توانسته آسیب برسانند .

در حین حله یاتنوس و راه کورسه - اربیش راهم قطع و انسانی



تکذیب

آقای مدیر محترم روزنامه اطلاعات دو وقت نامه گوهستان، روز نوشت قیام ایران، روز نوشت کیهان، روز نوشت کانون، روز نوشت کشور،

در صفحه ۴ شماره ۲۵۹۱ روزنامه اطلاعات تحت عنوان حرکت بیاد گویه که کلمه ابلغانی زاده ابراهیم یسینایت تشبیب کردم اینجاب که یکی از افراد- خود ابداعیانی زاده محتمت محسن جلوی گری از اشباعات و آشوب سخن اذعان عمومی بدین وسیله اخطار میدارم که خانواده ما باک خانواده چند ده ساله وسوایین دوستان همین پرستی و خندمان برسته آن تکشور عزیز خود بر رسوم ملوم و معسرز و ده و هیچ وقت گویم بتریز کرد خبیاتی بدامن هیچک از افراد آن نشسته و جز خدمت- کرداری وطن و صلح و امنیت طلبی قسم فراتر ننهاده کاسیکه بنطق آذربایجان علی الخصوص گروستان معصر آن شایخ داشته باشد مادام ازراه انصاف و وجهان عالی نشوند تصدیق دراند که شمار همین پرستی ایران دوستی از قرون متضادی شاخه اراخوان ما بوده و هست و خواهد بود.

پس شماستاسا گتون که میباید از نایبه یاره اهلصاف سفیر و ماجراجو بافرضا است و ولید شخصی افتاد قبیله گردیده و این افتاد نسبت بخاندان ابلغسانی زاده بسته شده ناماراد طرفاضی بدلام و س- حسادت بدینی خودشان را فروشانند. همه مدیانت ما شان مافروش نشسته، خیانتکار کسی است که مردمشرف و زمین برست و ابراهیمو اهد بدنام کند. من یابن ایلدیا بیه مرابان و ملتزبان اهلطینا میدمم که اینکوره نهنه مای شوچیوقت نشوندند که بدامن همین پرستی ما بشان و یا ذره ای از احساسات باک و مظلومانه ما بکاهد.

آقای مدیر روز نامه اطلاعات این قسمت بکاهات برتری است بیک خانواده باک و خریف و دیرینه ایرانی وارد شده قابل بیحوکه اهفان و مرفطراست نیست خوانندمشه مفتی ضعی و تهیت گس و حرفی فراموش که از طریق محاکم صالحه تنبیب و سلطنت امر کتشد هده و خیانتکار بیکسر قانونی برسد. ضمنا خود اداور- روزنامه نیز میبایست درصحت باسواپان غیر دقت کرده دلیلونه از اطلاع دهنده میخواست.

البته خود اینکوره اخبار مجبول و عاری از تحریف و روزآور بود و زبانه تکراری و بیسوز است ناروای حتی از بریدمان عاف موازین اخلاقی است. اینجاب بدینوسیله از طرف عموم افراد ابلغانی زاده اینوشوع و با بکلی تصدیق بنوده خوانندمشه طبق قانون مقررات دستور فرمایید مشروح بالا را فرارین شماره ۱۰ روزنامه ملیت کند عنوان و ابلغانی زاده تکذیب میبکند دروغ فرمایید که رفع اشتباه شده و بیعت باک خانواده مهم ایران در اخطار بدنام نشود. قسمه اینجاب زاده

بلم آقای ت امتین

فداکاری؟؟

فدا کاری اوسمایا بارزه و از هر ایز حاله وجود انسانی است که از مرشحه وجود و مریت و انصاف آتاری شده با چون اهفان و پیشش اختلاط میباید هر قوم و ملتی که دارای مردان فدا کار باشد شکر نیست سر نوشت آن قوم بحدو نیستی منتهی خود بدین لحاظ با تمام فاسد اخلاقی و انحاط مظاهر اجتناب و پیشرفت عوامل منافی نبینواند پتین کرد که آب و خاک همین ناکه مردان فدا کار است.

برای توضیح مطلب و تفسیر واژه فدا کاری ذیلا جنبه مثل مبادرت میوزدج. در موشکبه آذربایجان گیلان برای اعاده آزادی در دزد و خورد و میازده بودند بد بنامه آذغان آن از تنهوا خالی مانده بود یکی از لیدر ورسته احرار گویا مرحوم کاسالی بود از ده در همان روز کلمه دارای خود را اهم از ستول و غیر متول که حتی شال چند پارچه آتاری بوده در سیزده میدان و شش برای مساعدت میاهدین بیجرا میگذارد و بوسله وجود مزبور دوباره آذربایجان جاهلی تازه میگردند، من و ختیگه این هلو هست و مردانگی و اخیواندمه قریب نیسات تیر دو جهان و احساسات تحت تاثیر این می فدا کاری قرار گرفته بود فکر می نمود. چه فدا کاری از این بالاتر چه فردی برای پیشرفت مرام انشاهی و یک از خود خود و از اهضتی ساقط و کلمه وسایل عزت و لامرایی دبیوز را در طریق اغراضی گذاشته و تقدیم دارد. درواش فدا یابد.

این بل طرز از این موعیت هضای است که بافتان کامل است. . . . . قلیله با قلیله و دیگر سامانها است مساوت داوند و با صرف جان و مال در فقا و تفتیب هدیگر میگردند ولی موشی میرسد که از طرف دشمن زان آب و خاک یا هود و زمین نروا، پس آنان در خطر قرار میگیرد اینجها فدا کاری است که سران خود قلیله مروتا بشن و سعادت سالیانه را کنار گذاشته و متفا برای اخراج و شکست دشمن ثالث خود بیازوه و مدامه می پردازند.

شاید آدمی تپیدست و بینوا هستیه کمانی از تنرو میجاری که فدا استانه کرده و با نایبمانع تنگتک شارا برای جاسوسی شریعتی غلامه قیامت بیمن با قوم خود طبع و میجوهند اجبر کتشد شامه حاضر فعولیه شد در مقابل یک منافع مادی یک بد نامی دائم برای خود تپه کتشد بولتان را در و خودشان را در فرود میازد. اینجند فدا کاریست. فریضی در سالدست و با ذمن است فلان روز و دهامه از چه گذشت کسی جرئت نماند و کتک شرف را دارد بالاخره بکلی از ناظرین فدا کاری میبکند و برای نیابت فریق خود را بشماطره میازاد.

تنگر ای

سهمیه نر سیده

جناب آقای نصحت وزیر، روز نوشت جناب آقای وزیر اداری روز نوشت ادوار کل پیشینه و شکر و فیاض، روز نوشت مجلس شورای ملی، روز نوشت آقای سالیان، روز نوشت آقای دشتی، روز نوشت وزارت کشاورزی، آقای مسلمان، روز نوشت نامه گوهستان پس از نه ماه تمام که بر خلاف سایر فیهرسانهای ایران سیمی شکر و چای فقط ۳ ماه داده شد حالا سهمیه ششاد دیگر اهالی بیچاره قصر شیرین را بطرفه میگذاردت برآورد ملوم میخوانند سهمیه سونه را بکلی ندهند و مردم را از حقوق حقه خود محروم دارند و در مدت سه سال اهالی قصر شیرین فوریتیه توانسته اند از سهمیه قماش خود استفاده کنند.

آیا دولت چرا پستی توجهی بیک مشت اهالی بیچاره قصر که بکلی از سهمیه ساقط شده اند فرامیاند؟ آیا ما جزو ملت ایران منظور میگردیم؟ دروغ است مهم اهالی قصر شیرین از آن مقام عالی تانها ادا رند که هر چه زودتر امر بریدارت سهمیه ششاده هفد امانده شکر و چای و بنیه سهمیه سه ساله قماش که دوتهران و شوشرستانها هر سه ماه یکمرتبه داده میشود صادر فرمایند که بدعا کولتی مشغول باهتد صالح بوسی - اسماطف یاد کاری - ابراهیم غطی، خواجه هارون غطی، لاله زار غطی، داود غطی - امین گل محمد - کاظم هیزاد - حمیدی نژاد - احمد شرویزو - گل محمد روشنی - نور محمد روشنی - علی اصغر شویسی - گل محمد روشنی - قیطان زاده - اسمعیل عزیز یوز - و خاتمی چینی - فرامرزی بوسی - خلیل صاری - جمال فویدل - سید وحیسی - حبیب بوسی - نصحت هضانی - فیلیحه نصافیان.

گوهستان - علاوه بر مشکلات فوق بناید که نامه گوهستان از دست هم اطلاعات بود که سهمیه شکر و چای و قماش مدیست داده نشده بدادر کل گمش مرجه و معلوم شد که سهمیه شکر و چای کرمانشاه و کلبه جوزه آن تا آخر مهر ماه تحویل اداره اقتصاد آذغان شده و اداره نامبرده سوظلت است از غب اتانده و غیره غیب ایزاد کلبه سهمیه را از اول تحویل دفعه و نیز اداره کل بخش فلت تاثیر در دادن سهمیه را از اداره اقتصاد کسر مامشاد توضیح خواست.

اما راجع قماش طبق دستور کلی که بپسه شوشتان اهالی باغ شده صورت موجودی قماش نخواست شده که بس از اصول کسود آن از طرفین فرستاده خواهند شد و بدعا سهمیه قماش هم برردم کسود آن خواهد گردید.

شخص توانا و مقتدری و امیر حق جلیله دشتری میشود که با تمام قوا در تکرر بدست آوردن آزادی در استتلاط پیدا میکند هوزاده دشتر سالیانی زنده است تلیش در گروهیست این دشتر بوده منتها بواسطه فقر و ناتوانی موفق بولست با اوزنده شخص توانا جوانی در میبکد و بیانی خاطر هاضن دیرین از مزلت بادشتر صرف نظر مینشاید.

از این شواهد و امثال در دست داریم که مردان با اراده و غیر خروانه و سحره و خنده دیگران از استفاده هود تود کتشد. و فقط به لذت هفتوی عمل اکتفا کرده اند غلامه فدا کاری و از خود گذشتگی نیز ایضا مفصل فدا از قیل فدا کاری اروس، اخلاقی، انشاهی، جانی مالی و غیره مادامیکه این عمل بطاهر بکاره و باک جهیت انجام گیرد قابل تقدیر است و از معات و سعجای فاضله و مستحسن فراموش ملت است. فدا خواننده در هر کجا و هر طبقه هضتیه مادمیکه فدا کار بپای مهم بزرگ از دستتان برنی آید، با تپازه ایجاب میبکشد و با اموارت معضرو کولک در خانه و معیطه خود این سعجای شرف را در لودیات پیدا و فریخت تانیه آذما یمن کتید تا نشانه و لذت هوالم حقیقت و منویات با درک نایب،

پلم آقای سلیمان یوسلی لیسایی خون

## گرمانشاه متروک

—

یکوفیه تا مرد ایران شوید  
سواران نام دلبران شوید  
طبق حدیث شریف نبوی (حب الوطن  
من ابلان) دوست داشتن وطن از ارکان  
ایمان است.

بنابرین بر جوانان و پیران کشور  
و اجم است که در حفظ حدود و ثنوت زمین  
خود در لیل مال و جان مشابهت نمایند زیرا  
اقتصادات هر ملتی هر مومن در کارهای لازم  
و جایز برای جوانان و غیره وسعت نمی  
گسست پیران مدبر و سیاستمداران وطن  
دوست آن میشدند و این دوله خال باید  
بالاتفاق دست اتحاد و یکپارگی بهم داده  
برای نگهداری مرزهای کشور خوداخر  
اندکی کوتاهی نفرمایند خصوصا مستشاران  
که در رویه شرافتمندترین اقوام جهان  
است باید وسعت ملی و سلامت کشور را  
بر همه چیز ترجیح دهند آفت است که  
میتوانیم امیدوار باشیم معصوم این شر  
برآرد بنیاد روین زبانی

جوانان بشیر و پیران برای  
دروما صورت حقیقت بخود خواهد  
گرفت والا اگر خدای تعالی بخواهد دولت  
و فغان دودین ما راج خود لهتیا روئینی  
را فیتوانیم از پای آورد بلکه روئین  
نیز ما را از پای درآورد و چون آفتیم که  
بر نعلیم.

پس ای شهسورهای معظم برای اینکه  
سواران نام برانستار (مرد ایران) شویم  
باید این اصل مقدس را بشه خود  
سازیم و مرعیت و مردانگی و شجاعت و  
لیاقت و وطن دوستی که خسار دیرینه  
کرمانشاهها است از دست ندهیم و با هر  
گونه امرایی که در حدود و ثنوت کشور  
را تهدید میسازد مقاومت نماییم زیرا راتمی  
که وطن نانه دیگر حدودی ندارد و

از شهرستان روه عزیز ما (کرمانشاه)  
هم که یکی از ولایات غریبی ایران را  
تکبیل میدهمد و اذعناط سیاسی و اقتصادی  
و سون الجیشی اهیتی بسزا دارد انسوی  
بانی نفعوا منه.

### اهیت کرمانشاه در زمان

#### داریوش کبیر

کرمانشاه غایب و کیان سابق همیشه  
واسطه موکبیت سسی که داشته طرف توجه  
جهانگشایان و شاهنشاهان و سیاستمداران  
بوده است و ان اهیت از مومنی قزوی  
یافت که نام داریوش کبیر (۱) جاده  
شومه موم (راه شاه) ازسارده شوش  
ساخته شد و در طول آن که ۲۴۰۰ (دو  
هزار و چهارصد) کیلومتر است ساحلوهایی  
نظامی و میدان شاه هالی باشکوه بنا  
گردید و کرمانشاه را بسیار شهرستانیای  
فاصلی لالت ایران و سایر کشورهای مجاور  
مربط ساخت و بهترین راه ارتباط ایران  
با مالکله جوار بوده و از نقطه نظر سون  
انتهی و بازگانی در زمان این شاهنشاه  
هائیان توجه بود.

### اهیت کرمانشاه در زمان

#### تسلط اعراب

بعد از ظهور اسلام و قبل از اینکه  
اعراب یازدها حمله بر نه فتح ایران مطبع  
نظر غنغالی اسلامی واقع گردید و در زمان  
غنیه دوم دو جنگ یکی در نادیسه (سنه  
۱۶ هجری) و دیگری در نهاره (۲)  
(سنه ۲۲) که شکست قطعی نشون ایران  
نیام شد و سیاه سلبین هم تا ارمنستان  
پیش رفتند کرمانشاه و سول و حوشی آن  
اذعناط واقع بودن در راه شرق و غرب  
اهیتی زیاد داشته است.

## بوش

شاهنشاه گذشته نامه کوهستان، با جود  
دقتهای لازم، دارای اشتباهاتی بسود پلایه دو  
کلمات اغلب املاات غروفی داشته است.  
کسیا، با چاپخانه ها سرکار دارنده ایستاده  
که از دقیقه ۱ که مطلی برای چاپ بعلیه داده  
میشود تا ساعتی صه از چاپ خارج میگردد و حتی  
پس از آن در کسوم توزیع چه در دوسرهای دارسو  
چندر واقعا با یسئون چکر خورد تا بصورت آبرومندی  
تقدیم نگردد.

کارکن نامه کوهستان نهایت کوشش را  
دارند که چه دره گام تصحیح چه در موقع چاپ  
چه در وقت توزیع ابرای سونج شودولی سهدا  
با تمام این کوششها همه اطلاق مشاهده میشود  
للا از خوانندگان ارجهت تالعا داریم اشتباهاتی  
واسطه در شماره گذشته مشاهده فرموده است تصحیح  
و از این راه بر کارکنان این روز نامه منت  
گذاریم.

### کرمانشاه در زمان آل بویه

در زمان آل بویه (طی وسن واحد ۳) از سال ۳۳۴  
بیمه بناهایی در کرمانشاه ساخته شده است و برای این شهرستان  
اهیت زیادی قابل بود.

### اهیت کرمانشاه در زمان سلطنت صفویه

از زمان نیمه بد که کرمانشاه عراق را تصرف در آورد  
کرمانشاه ازعناط سیابورین با سرحد کشور مزبور اهیت فراوانی  
پیدا کرد و بسین جهت از طرف شاه اسحیل هم استعناطی برای  
آن ساخته شد و چون این شهر مرکز تجارتات شاهنشاه بود  
مانند توب نویالی دست بدست میگفت در زمان شاه عباس کبیر  
(دوم) فیکه چنگیزی خونین برای خارج کردن شاهنشاهی از بلاد  
و تصرف آوردن ین شهرین جعل میاید (از هغه نظر سون الجیشی  
اهیتی بسزا پیدا کرد.

### اهیت کرمانشاه در زمان نادر شاه افشار

از سال ۱۱۴۶ هجری که نادر شاه دست چنگیزی خونینی  
برای بدست آوردن شهرستانیای غری ایران و اعراب نفوذشانی  
زد این شهرستان از هر جهت خصوصا ازعناط نظامی قابل ملاحظه  
توجه زیاد بود.

بهرجهت از نادرشاه بعد چه در زمان زنده چه ناچاره  
این شهرستان خیلی قابل توجه بوده و در چنگیزی بن البلی اول  
۱۱۴۶ و دوم ۱۱۴۸ هم از هر جهت اهیت این شهرستان درهائی  
آن ثابت شده و برای تصرف و تصرف این عنوان و اهیت کرمانشاه  
باید کتایی نوشته شود که منافات معاد روزانه بیشتر از این نمی  
توانیم بوسیم و آرا شاه اف در کتاب کرمانشاه مشرف بسطرد  
مشروح بنظر خواننده گان گرامی خواهیم رسانیم و همچنین هر سنی  
نایم هر خطه در وهه ساله آثار علی خود این شهرستان و راههای  
آرا دروازه آسیا مینماید.

با ذکر این مقدمه در شاهنامه آینه پشخ حدود و توابع  
کرمانشاه مبادرت خواهد شد.

(۳) در زمایکه احد برادر کوچکتر آل بویه بنهاد و  
تصرف کرد از طرف غلیغه پشنگ امیرالامرای تمام کشور اسلامی  
مقتدر گردید و نیز از طرف غلیغه فرمان صاد الموله و اربانی براند  
خود علی فرستاد.



# گرد و گردستان

-۲۹-

«سه اردلان»

خان احمد خان بهارمقله که در بالای کوه پامیر بود بر دناخته، برای ذخیره آرد هر ام بنارت و تاراج دهاات اطراف و جوانب میدهد و و راهبای آن نواحی را تا چند فرسنگ میگردانند. و انهارم اشتمار وارزان آ تا آبرای اعشار اورد و در یک سلی نامین میناید و با سنی قلله و نامورای جبال مشله بان بیشتر از آن بوده که آن انهارم وارزان منوبه بطول مدت هصااره سالی نامه خان احمد خان اراختام ذخیره و آذوقه گوشده نگشکن قلله ملول شده با جمعی از خالصان بزم تلرخ بکاشد و درانی که در جنب آن قلله بوده میرونه از آفتابا بیژنی شوخ طبع و خوش کلام صراف میشوند و در ایلخان احمد خان میرسد که معطل شادوستنبر این قلله چیست خان میگوبد براه دورول سمدوست است باینجهت در ایلخان معطل مانده ام ضمیمه بطریق ظرافت میگوبد در شب زلفان من هم راه دورول سمدوست بود ولی چون طرف مرد بوددی بله حله قلله را گنود و برای آید راه را دوازه نمود. خان احمد خان از این ظرافت متاثر نمی شود. بیان لشکریان هم مراجعت میکنند و عین قضیه را برای لشکریان قائل مینمایند. لشکریان هم از طعن بیرون بپوش و غرورش در آندم بر آن قلله و جبال حله و در میوندند معضرت ثنائی قلله را گوشده داخل میشوند پس از تزلزل و هارت زیاد خان احمد خان بنابای قلله گیان را امان داده و روز انروز را در شبته سنگلاکت خود میدارند اولاد بهرام یک نی اهاش خلب سرخاب یکک که در آن نواحی بدلت و ملاکت میلا بود اندم آوری نموده نوازش میدند فراسخن یکک را که سر بزرگ بهرام یکک بوده حکمران روانیز میارند و خالک یکک خوشنوازی حکام خوشنواز قرار میدهد و عادی را هم سزده شان یکک بهر سقوب یکک سر بهرام یکک مینشاید و برای و کوی و حمبر هم از خامان غره حکومت مدین میکند. حکام روانیز هم از نسل همین فراسخن بوده اند. طایفه مدند رشید یکک و کول نیز بهالک یکک منتهی میشوند که مشهوره (میر خوشنواز) بود اندم.

مدت چهل روز در موصل و اطراف آن برای آسودن لشکریان اقامت گزیده و بزارت یونس نیز هم بهره مند شده، بعدوی بیکار موصل را به حسن آباد فرستاد در آن جا کسب کرده اند از موصل مزد و موصلات خود را کما هو عباد شاه عباس مرده میدارد شاه عباس شیخ مرصع کبر خود را با اسب مخصوص و بران پتار دوازده هزار تومان پول طلا بافته خان را بدهد خان ارسال داشته بود و پیمان میدهند که بی لب کرکوک و پندام هم نمانند تا چاهارا بزی به خط تصرف در آورد خان احمد خان پس از چهل روز توفان در موصل حرکت کرده کرکوک را هم تصرف میشود و حاکم در آنجا میگردد و از آنجا متوجه بغداد میشود و شاه عباس هینکه حرکت خان احمد خان را جابل بغداد میشود، خود نیز شخصابا سپاهی کران رهسپار جابل بغداد میشود. خان احمد خان بهرامی پناه که میرسد کبیار پادشاهان با استقبال او شافته مورد مظلومت واقع میشود خان احمد خان در همان امواج شادی و مسرت اهالی وارد بغداد میشود، و شروع با تظاهرات مینماید. پهلما در روز حرکت موبک شاه عباس بی جوالی بغداد میرسد خان احمد خان با جمعی از رجال غداه با استقبال قشائسته مورد مظلومت و اذیت واقع میشود. خان احمد خان پس از انجام این ترحمات در تاریخ ۱۰۳۵ هجری اجازه مرخصی گرفته بگردستان مراجعت مینماید طول مسافت خان از روز حرکت تا روز مراجعت ۷۵ سال و سه ماه بوده است. پس از انقضای سه سال شامیاس ماضی اوردنیا در کف دست در جدایی اسرار منی ۱۰۳۸ هجری صلی برای یکک ماضت من نشینند. کار و ظل حق» تاریخ جاسر اوست شاه صلی نیز پادشاه احمد خان هان، رسم و روش شاه عباس و امر و عهده او را با بواطن مینمایند و نوازش کریمانه دوازه مینوانند است.

خان احمد خان و از دوزین کلاه خواهر شاه عباس بری بوده سرخاب نام در ایندای جوانی شاه عباس اورا بدر بار خود برده خاطر هابوبن و بشریت و تعلیم او متوجه مانتند. که در نتیجه توجهات ملوکانه سرخاب یکک مزبور علم و فضل آراسته و بوصف شجاعت و دلیری برآسته کشته سلیمان خان اردلان که ذکر او را از آن می آید شماره ۱۰۳۸ آن جوان بی آرایش شبیه انداخته که گویا متارالی خیال سلطنت را در دماغ خود میروانند شاه صلی برای حفظ توح و نعمت خود بدون تمسؤ تعقیب

یک غزل از

«مستوره»

گرفنارم به نازی چاره کانی مه سستی فه نمانت  
بریندارم به نه مزایه رود و چاوونیری مرگان

به زولف و بهر جام و نه گریجه کانت غارت کردم

دلیمک بوته ویشت خسته نیوجاهی زه نه خدان

له کوشتنم که رذت آزاده کم که رینه ساقیرم

به روزی جده هم بزلی له لایه عشی شیدانت

جه ناما عاشقان نه مرزوه هم ما تن به پا بوست

عنیش هاتم بغرموم کوزن بمکن به قوربانت

همیشه سه جده گاهم خاکی برادر گلگه کنی تو یه

رغم روی ره ش بی نابیلی بگاده - م به داهانت

له شورت وهمه و هفا داری تو خوشمهوری آفتی

فدایی شرط کنتیم چه به سه رهاش شورتی جارانت

ته شکور واجبه بو من نه گکر یرم به <sup>نظمی</sup> تو

به شورتی گفته کم. <sup>بدر</sup> به تا روزی لقی به ویشانت

برو «مستوره» شو کرکی که دله در گای پادشای داوور

که روزی بوته به توالی که دانه مال و نه بوانت

این غزل از آقای هدااتادد بهرامی از باه ارسال داشته اند.

در سنه ۱۰۳۹ هجری امیر میدهد که دیده آن نو. دیده اردلان را از حدقه بیرون می آوردند خان احمد خان بعضی ششین ابن خرفل از دماغ او پرواز نموده براه میبدهد.

یاد بل خولین چکنم - بهر سی شمشیت ای چشم جهان بین چکنم -

می کنه دیدنات از دسته برون آوردن - چشم من کو بگوش من

مسکین چکنم - روز بروز مرض مالیغولبای او شدت بهر ساینده

شروع بجرکت هوزولک مینماید.

بالاخره بتوسط امراه و روسای کردستان آن شیر سینئه

غیرت و شجاعت زحیر میشود و اسیر یکک اعلی جد هانت افک یکک که

در آن هنگام سبوزارت داشته ملکیت را مدتی یکسال بحسن تدبیر

نگاهداری نموده نگذاشته غلته یک کلان حکومت کردستان واروشود

پس از یکسال مرض خان احمد خان مبدل بصحت کشته و پاره زمام

ملکیت را بدست گرفته است. مرحوم با مقبول قاضی واعلی جمعی

کردستان به تاریخ این قضیه را کت است.

۱۰۳۹ - فرق در ناله و غروش آمد

۱۰۴۰ - دلش از داغ شه جوش آمد

مادر غم برای فرزندش دلش از بیشی بپوش آمد

واپسین تصمیم هیئت مدیره

گروه طرفداران الفبای آسان



چون الفبای کشور امم و منابع تاریخی میباید زیرا که اثر آن در حه شتون فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و غیره سرانب بیشتر وبلا تا تر از هر اقدام دیگر خواهد بود و حقا میتوان گفت که بهترین تشبه حیاتی ملت است - هیئت مدیره گروه طرفداران الفبای آسان منابع و محسنات خود رو بابدل افکار را کاملا تخصیص داده نصبت از میان کلیه الفبا های که دانشندان سابق و لاحق پیشنهاد کرده بودند . بهترین را انتخاب و طبع و توزیع نموده منتظر اظهار نظر از همه شهرهای ایران بودیم - استاد ها و پیشنهادهای زیاد و گوناگون رسید که با در نظر گرفتن آنها الفبای دومی را ندراده باز با نظر نشستیم . تا اینکه دومی بیشتر مورد پسند شده و همه از روزنامه ها و مجلات تهران و شهرستانها آنرا قبول و تبلیغ و تطهیرا بخوانندگان توصیه کردند بی اندازه شادمانیم که باز دانشندان موثکاف از اهالی کیسبون مامور این کار و سایرین در مدت کوتاهی با الفبای آسان و دقت در چاپها و مامون های تحریر لاتینی و تالی تالیپای بی نظی و ملاحظه نام کار و تمقیات کنونی ایران که هر عشق ده ها انگونه بر کبها را لازم دارد . نتیجه ای وسوسیه که با از لروم اندک تغییر را اجباب کرد . اگر چه کاملاً مطابق میل ما نشد . زیرا که بیدر نظرش یک حرف مدیل دارد . دوم حرف قطعه داروسه حرف آکساندار ناچار کردیم . تا بدون معنی از کلیه چاپها و مامون های تحریر لاتینی و تالی تالیپای بی نظی استفاده شود . و یکسان یا موختن خط و زبان فارسی با خود و قون شناسیده و سال آنکه تا کتون سطل دوشواریهای بیشتر خطی و املائی برادر و گریزان بودند .

a	زیر	anderz afim	اسوز علم	ممتس	saagin sorayya sadhâqa	سگین زیرا صدقات
a	آ	âb âil	آب حالی	ش	weydâ wârâfat	شیدا شرافت
b	ب	bar târ	بار تار	تسط	tavânâ tâat	توانا طاعت
c	ع	cavâher culâl	جوهر چلال	او	mum wur	موم شور
ç	ع	Çuhâr (çebel)	چهار چهل	و	vazir vâced	وزیر واحد
d	د	dard zard	درد زرد	خ	xodâ xabâr	خدا خبر
e	ذیر	ezzât emûdd	عزت امداد	ی	yezâdn yârî	یزدان یاری
f	ف	farrâ farsnug	فردا فرسنگ	ظفر	zahrâ zarar zâher zahab	زهر ضرر ظاهر ذهب
g	گ	garm gara	گرم گرد	واو مجهول	qum nôm dri	قوم نوم درو
h	ح	hargez harf	هرگز حرف	ه		
i	ا	irak icâd	ایرک ایجاد			
j	ز	jarf jûta	زرف زانه			
k	ک	kârgar kûndâr	کارگر کاردار			
l	ل	lâl lâta	لال لاله			
m	م	mardom marâqa	مردم مراغه			
n	ن	nardebân namak	نردبان نمک			
o	یش	orînk ofîdd	ارندک اتحاد			
p	پ	palang pâluda	پلنگ پالوده			
q	ق	qolâm qarn	قلام قرن			
r	ر	ravân raftâr	روان رفتار			

هذه باع ساکن مابنا  
متحرک یا متحرک ماقبل ساکن

raâfat  
neâmat  
marâtas  
abâdd  
câmec  
mortâc

رفت  
نعت  
مرئوس  
ایجاد  
جامع  
مزیج

علا ت حذف برای حفظ  
و نایابین اصل مانند  
h' inehâni 'at  
k' az to âbâh axi

کین جهابست  
کر و آباد است

بجای واو معقوله همان  
وا می و بسیم که معظ  
میکنیم مانند  
man o to hardo  
xâca tâwânim .

من و تو هر دو خواه  
باشیم . بجای  
man va to

الفبای آسان شاهراه و سنگکاری ایرانیتان است زیرا که هر پیسواد میتواند آنرا در سه روز یاد کند در یک هفته یاد بگیرد و کاملاً ناسواد گردد . بدین منی که هر چه میگوید بی غلط نویسد و هر نوشته را بنزد برده بخواند و اگر فراموشد هر کس ؛ در گرفت ، هفت روز روزی یک ساعت زحمت کشیده به پیسواد دیگر یاد بدهد . پس از سه سال یکی پیسواد در ایران دیده نخواهد شد . زیرا خود پیسود توسعه یافته انحصاری قانون تعلیم اجباری نخواهد ماند . اجرای قانون تعلیم اجباری و تصمیم سواد بی خط کنونی امکان پذیر نبوده و نیست و نخواهد شد .

بهای نخستین کتاب الفبای آسان ؛ جریال است از هر سه شایه هر چند جلد نخواهند پرورا یا به پیشی مرستنا ارسال کرد .

ابوالقاسم آزاد مراهه مدیر گروه طرفداران الفبای آسان تهران ؛ لای شیامان سمنری نظامی کوچک و ربوری شیابان امینی

تقاضای زده شدن کین

روزنامه های مشترکین مرتباً با درس که همین نبوده اند هر هفته ارسال میگردد برای کین بضم و ترتیب توزیع روزنامه از مشترکین مستمری که تبلیغ آدرس میدهند تنها میشود آدرس جدید خود را یادآور روزنامه اطلاع دهنده و بیل اگر روزنامه رسید تقاضا میشود مارا مستنصر فرمایند .



### بک رفته از مرحوم امیر نظام کروسی

رفه است که مرحوم حسینی خیار میر نظام در زمانیکه وزیر نوایند عامه بود. مرحوم حسام السلطنه (سلطان مراد میرزا) نوشته است.

فرمان حضور مبارکت شوم این دلمه مولانا جیدالله طبری تاسی عیبی، بیژرا مهدیان مر موم حسام طابوس و شایوس و انبهاردهار بود که بیست و سه نفر ظاهر کرده و آن چند کلاه دستخط مبارکوالا بود که آن الفاظ را منی داده و آن اجسام را خیانت بخشیده بود. البته سرکارمندی باشی در نظر دارد که فرعی نگذشت.

لسانه گشت و کین شد حدیث اسکندر سخن برآرد که نورا ملازتی است دیگر باری عزای امرحسی حضرت والا را با آن ارزوهای و متکوله و ترازوی سته داشت بر روان مرحوم حضرت خان مرغه کردم در کرد که آقای کشیک جی باشی ایستاده است مرا چه یازاری آنده دینی بدین جمله دراز گشت با این اسوال آیا انصاف بر درگاه والا روا میشسته که این بنده که خود را در لباس کلین جلوه میداد این حیا و نیکوکار ظلم فرزند را بر دوشی گرفته در میسلی خشم مرحوم ملا عیدالله درویشی به در سته اعدای محترم دارالتوروا قرار گیم ما هکله لفتن بیکه وما اغیرنا بقرانک ایلک.

دوباب اسب هم بیض مبارک مرحوم فرموده بودند (اسی که کما شد بنده را در خدمت) در این شوم مگر فریون رشتی رستم شایسته بر سر مبارک انلطمانی خان را از اسطبل نامه والا استعفا کرده بودم من بدین دوستی و آلا عیاس و میگیرم هر چه باشد.

بالیجه اطمینان آن بود که دیدم و از معیبه اینکه حدیث قوری بزچون چنان

که تحت حاکمیت سیاسی بیاتوسی میآید نه تئیس دایر نموده همه داخل سلاح کردند.

شهر الله بین پسر نوح ایل یک رئیس سابق طایفه حسنی با چند سوار جنگجوی حسنی داخل دشت ملاز گرد شد دسامه چت و با نجیها هم کندی.

گلی زبلیان در نتیجه حرکت پیش از وقت تنها مانده بودند مراد می ترک از آن سو فرسانده بطوریکه در ضمن مواضع که کرده او آن شهر ها مشغول زد و خورد شدید بودند قوای نظامی ترک با کت و توری ایل کسکوری ازیشت سر دامن گوی زبلیان شده حین عیال را میسودا اشغال نمودند.

این موقعیت های فوری ترک بهت بی احتیاطی مجاهدین ایستادگان شده بود زجرها، بطوریکه کابینگی کل زبلیان قبل از موعده که فرمانده کرده میشد کرده بود به بردن از زبان و زبان ملامت گراش اندازد بودند و زبلیان اگر منتظر تاریخ مدین شده میگشته چون پشت گوی بدین بدست مخصوص سیرده شده بودند قوای ترک قادر بودند ازیشت گلی زبلیان نبینند.

علاوه بر این بی احتیاطی مال دیگری هم پیش آمده که موجب گشت قوای کرد متحرک شده بسیار زن و بچه خورد که در بلقان بودند رفته و در نزدیکی جاده های خود حملو دشمن را گرفته طلب میراندند تا فرصتی برای حرکت دادن زن و بچه خود داشته بودند. بقیه مرتب بطرف آذربایجان عقب نشینی کردند.

مجموعه جاده های بدو میانه بین بوسته تا غار اوائی اثر ارجینش را ترک کرده بود

### ار تمبریز

### تکذیب

اطلاعات رنوشت کوهستان رنوشت قیام ایران خبری که تحت عنوان «تبریز به یاد کوبه» درج و کلنگه ایمنی راده ظلم داده شده بود اسباب شکست کلی واقع گردید زیرا هیچ حمل سلیم و منطبق محسن خبر محرکالی را برای خانواده ما با پیشینه سنت مبین پرستی تجویز نفعها نکرده. اینجانب تقریبا موضوع را تکذیب و تماشای درج این تکذبات و رطلغ اشتباه را دارم.

۱۳۸۴ محمد امین بانجانی زاده

این همت نیز میداد کافه های تکلیت از سر دشت رسیده اظهار نموده اند چندی قبل حسن اساجیل بزاد اورانی تهیه و بلاجبار با بنامی مردم رسانیده که از سرعک جواتبیر اظهار رضایت نمایند مردم بیچاره هم از ترس امضا کرده اند

متوجه ملامت مرحوله موصوما ستاد ارتش و رایانگوتنه ارسال طلب و تقاضا در باره فراموشانده لنگر ارضی کردستان آقای مرتب هابوینی تحقیقات کلان از فراموش دشت نموده مردم بیچاره را که باین طریق گرفتار این بدید محنتان شده اند از چنگال کیف آنان خارج نمایند.

### اکی

بنابر تاریخ ۱۳۸۴ در ۱۹۹۴ آقای عبدالصمد اولان بوکالت از طرف آقای عیدالله امضا با ستاد بیک کوهستان و رنوشت شاستامه دادخواست بشماره ۷۶۹۸۲۴۱ داده بانیکه مرحومه بانو سکتی کندی خودخوان تاریخ ۱۳۳۳ در قریه شهربار جانیگانه هندگی خودخوان پیامه و کتابان اسماعیل و عیدالله و بدالله (راه خدا) و بانوان فتنه خانون و خدیجه بدین (راه خدا) از دروازه نموده و در وقت منقرضش «بیاضت» پس از شش روز گوی راه گرامان مراتب سه نوبت متوالی ماهی بیکار در روزنامه رسمی کشور شتاهنهای و روزنامه کوهستان آگهی میشود با اینکه مدت سه مهال تاریخ نشر اولین آگهی و نوبن معترض بر حسب تقاضا اقدام خواهده شد و دو اگر کسی وصیت نامه از ترستی دارد در ظرف مدت مرور ابراز و الا هر وصیتنامه غیر از ترستی و سری ابراز خود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۱ رئیس کل دادگاههای بخش تهران - عامر امری

در جگ ارجینش فر از دو هوا بیانی که در فرودگاه بندک کرد ها افتادند. هوا بیاضا دیگر هم با کالرک سرنگون شده بودند بیکه از آنها سر فراز تر ای که چند ساعت قبل بدست اکراد افتاده بودند و ایل میکرد و بیکمان اینده منوط نظامیان ترک آن به را در اشغال نموده اند برای دادن گزارش با این ترتیب و در آن میخده کالرک فرار کرده بود. گزارش کنشی خیابان که بدست کرده اند تفصیلات قوای ازماری ترک را با آن منطقه روشن است.

در زود خورد های که بین راه کرده ما میشوند از حیث عیال و اهله تلفات زیاد متصل شده از سزبان امین پاشا ششان وادیکر جزو کنتگان بودند.

تقل تمام بی رحانه زن و بچه های بلا دفاع نامیه کلی زبلیان از طرف نظامیان ترک در تمام ادامه داشته انجام بدی تاریخ جامع منقول امروزه وقت فراموشی کرد از حرکت ایل جیدان اطلاع حاصل کرد که از ایل کار گذشته بود. زیرا ترکیبا با آگهی خاطری قوای زیادی پس از ایل عبور رفته بود. حالا دیگر بیاضت هر چه زودتر با سرسین کلی زبلیان بستگن شود. لذا فوراً داور پس دایر بروسکی با عدهای قوی مامور به دست های نظامی نوره شیب و سیحان را از میان برود مرکز ساحلوی نظامی در ده سحان بود. در نوره شیب قطع با غیر نظامی وجود داشت حین بفرجه سیحان برای اهالی ده خطرناک بود و فریاد نظامیان بود داخل ده محل سکونت خود را محکم بندی کرده بودند بنابراین آنها را در مدین ده مغلوب کرده با تلفات کم میسر نبود. نقشه این کشه کرد بیکه های صبح حیلت علیه کوچک نوردین آغاز و راه سیحان هم گرفته شود و هینکه نظامیان سیحان بقصد کشه نوره شیب از قریه خارج میشوند دیگر فرصت مراجعت را با بان منهدند.

# کوهستان

بنام آقای حسینی آژموده اردلان

## قابل توجه بیماران سرریب همایونی

هر چند نگارنده نامشروع افتخار شناسایی تیسر سرریب مثل الله‌هابونی واده‌اشولی آنچه از اطرائین وگسائی که بااین‌بکار کرده اند استفسار کرده‌اند همگی بی‌ایالت وکلادانی معظم‌الیه‌مصرف و مارا اهدوار ساخته اند که بر خلاف چنان‌چنین اسبق خود می‌توانند باحسن نظر سوه سیاستی بگذشته را ترمیم نمایند و در اینجا که نام سوه سیاست گذشت‌بسیان آید ناچارم بنه نوه کوچک آترا که جز سکتی توژی و مرض وژی نی‌توان به چو‌دیگری تغییر نبود در مرض ضاربت عامه مضموسا نرمانه معترجم‌چید لشر کردستان بگذارم

ستوان دوم منویجر آژموده اردلان که مامور ستر بوده اند بنا باینده‌های یکی از افسران لشکر که با آقای سرریب هوشنده ایشار خصوصی داده‌اند تیس هوشنده منتقل می‌نمود در چنینکه ایلاخ ایشار وی صادر می‌گردد یکی از زو‌و‌نامه های قیام ایران یان‌های عدالت یا کوهستان وروسیاست لفظ فرمانده لشکر کردستان بنام مصالح عمومی در جرایم مزبور تذکرانی داده بودم بدست‌ایشان میرسد فوراً بچرم اینکه ستوان دوم نا‌بمیرد با نویسنده مقاله دروداری ام خانوادگی واحدی می‌بایست علاوه بر اینکه اتنالی‌ری بستنچ عملی نشود بیانه منتقل خواهد شد دیگر اینکه آقای سروان عبدالعجید اردلان که یکی از چمی ویا کدین‌ترین افسران ارتش است عموماً که از مرکز ستوان ماموریت سننچ افرام می‌نمود بی‌ترتیب هوشنده‌اش نظر وایستد اینکه ایشان اردلان هسته از ملاقات و حتی استماع گذارش ماموریت‌وی خود دردی‌می‌ناید - و با اینکه در غالب مجالس و معاطلی که حضور بهم می‌رسانیده اظهار میده‌اشند که من بی‌نیو‌امم کو چکن‌بر آری از آثار اردلان در مناطق کردستان باقی بماند

غلامه افراسی خشمی بدون جهت غیر منطقی خود را جانی رسانیده بود که آقای حیات آزاد پور یکی از جوانان حساس و مبین برت کردستان است. بچرم

اینکه نماینده روزنامه است که به‌برآن اردلان می‌باشد بدون هیچ‌گونه مبرراتی بی‌بازداشت و گویا تاکنون نیز مستحکم شده است آقای سرریب همایونی با آنکه دردی بنوشته‌های آلاشم تصدیق خواهند فرمود این قبیل انکار کوهستانه جز در مفرز های کوچک و طبل پی‌رویش لغواهد یافت والا در قوانین کدام کشور حتی حسه و رنگ‌باز نوشته شده است برادر او بچرم برادر می‌بازت نماینده ۱ و در کدام جنم دره ای گذارشات افسر مامور را بنظر و افراسی خشمی با فایز‌وی استماع لیس‌نایند؟

مطابق کدام انصاف و مروت باید آتار فرزندان رشید و پاسکدامتی که خدمات گران‌بها و آتان زینت صلحیات تواریخ و زبان زد عامی و عامت نابود گردد؟

در کدام يك از اصول قانون اساسی قید گردیده که از اموال و جانی اشخاص مله افراسی خشمی باشد؟

بهر حال از طول کلام مذکور نتوانست و امیدواریم تیسر فرمانده جدید لشکر هاشمی‌بکه در نتیجه ملاحظه و رسیدگی بیرونده های امر که از شهر پور ۳۲۰ در ستاد ارتش تشکیل گردیده بوده و شخصاً پسوسیاست فرماندهان اسبق اعتراف توفه ام و با کمال بی‌طرفی و حسن سیاست خراب‌کارهای ماضی را ترمیم و بنوده بله‌مانده کرد و ترک عرب و عجم در نظر دولت مرکزی یسکان و هیچ‌کدام جزاژ را مدفعت‌ر دیگری مریضی ندارد ندوات نگه‌بان ملت و ملت پشتیبان دولت‌است همه فرزندان یک میهن و خدمتگاران یک کشور اند و شما می‌بورد نیدامه مناله خود را بگذرک این حقیقت مسلم که ملت کرد در مقابل ایبه و آرمات مقدسی که سرلوحه زندگی خود فروداده هیچ‌گاه از حبس و تبعید حتی شدیدترین می‌بازات ترس نداشته بلکه برای جان‌ش بروخون و نگیخ خود نیز در انبراه اوزقی قائل نیست زیرا ببول شاعر سر که نه دروازه مژگان بود مارگرانی است کشیدن بدوش

بکلاه و ۲۲ روز است آقای حیات آزاد پور نماینده کوهستان در دستنچ دستنور سرریب هوشنده ایشار با‌و داشت شده با وجود اینکه اقدامات هوشنده ایشار و رفتنایش برای تشکیل پرونده ای مطابق میل خود ۱۱ بجای فرسیده می‌باشد متارالیه‌مصرف با‌و داشت است

ستاد ارتش و دادستانی ارتش هم با کمال خسرویی ناظر اداره این اعمال می‌باشند

آقای سرریب همایونی گویا بنا به احوال ابرو‌جسی لشکر کردستان را تحول نکرت

آقای سر لشکر جهانیان هم به کردستان وا‌ده شده بی‌بیم این دفعه ایشان راجع به علیات سرریب هوشنده ایشار چه خواهته نوشت ۱۱

## سازمان فرهنگی

### شهرستان های مهاباد و گروس

بانه اولسعه  
۲۳ شده بطوریکه جمع کل بودجه بر ۱۱۳۷۱۴۲۰ ریال شده بالغ به شرح ذیل  
پرستی بکفتره  
پرستی بکفتره دیگر  
هزینه  
نون‌الصاده ها

جمع ۶۶۹۲۲۰ ریال  
۱۸۲۲۰  
۱۳۲۵۰۰  
۴۹۰۰۰  
جمع ۱۱۳۷۱۴۲۰ ریال  
بودجه سال ۱۳۲۳ از کرامت و آژوداکر و خدمتگذار برای شهرستان مهاباد ۷۱ فر بیش چس کرده ولی در سال ۱۳۲۴ به ۱۰۲ نظر خواهنده رسید که عبارت خواهنده بود از ۹۹ هزینه آژوداکر بیکشگر کرامت و ۲ خدمتگذار

شهرستان مهاباد دارای يك دبیرستان سه کلاسه - دبستان و کلاسه و شش کلاسه در شهر و دو دبستان یک کلاسه در اطراف و دو بکران بوده ولی در نظرات که اعتبارات اضافی که در بودجه منظور شده بصرف هونه دار نبودن دبستان‌های یک کلاسه و دو کلاسه در دهات اطراف برسد

### ۴ - شهرستان گروس

بودجه فرهنگ شهرستان گروس در سال ۱۳۲۳ بالغ بر ۷۰۲۷۱۷۰ ریال بوده  
پرستی ۵۱۸۱۷۰  
هزینه ۱۸۹۰۰۰  
۷۰۲۷۱۷۰ ریال

۷ دبیر - ۲۴۷ آموزگار و ۱۹ خدمتگذار کرامت شهرستان فرهنگی این شهرستان را تشکیل می‌دهاده اند  
در سال ۱۳۲۳ شهر بیچار دارای يك دبیرستان سه کلاسه پسران و دختران و يك دبستان چهار کلاسه ۱۲۳ دبستان چهار کلاسه و پنج کلاسه هم در دهات دایر بوده‌است  
بودجه ای که برای سال ۱۳۲۴ منظور شده بشرح ذیل می‌باشد ۱

پرستی بکفتره ۵۹۰۰۰۰ ریال  
پرستی بکفتره دیگر ۸۶۰۰۰  
هزینه ۱۷۰۰۰۰  
نون‌الصاده ها ۵۰۰۰۰  
جمع ۸۹۶۰۰۰ ریال  
با این بودجه فرهنگ شهرستان گروس ۷ دبیر - ۲۴۷ آموزگار و ۱۹ خدمتگذار خواهنده بود این احسان‌آسامان برای ایجاد دبستان های يك کلاسه و دو کلاسه و چهار کلاسه در دهات منظور شده‌است